

# دوروی سکه‌ی دستمزد

قسمت دوم



اشاره:

در شماره گذشته قسمت اول گفت و گوی دکتر فریبرز رییس دانا با دکتر غنیمی فرد تقدیم شما شد. در این شماره ادامه مطلب مذکور را با هم می‌خوانیم.

ولی کدام خانه‌ها! خانه‌های ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری برج‌ها، اعیان نشین‌ها، ولی توده عمومی مردم آن وقت خانه ندارند!، آن وقت سرمایه گذار نمی‌رود آنجایی که ساخت خانه لازم است خانه بسازد و می‌گوید مقرون به صرفه نیست، خوب آن وقت ملاحظه می‌کنید که در اوج مشکلات بیان شده جمع قابل توجهی از کارگران بیکارند یعنی دولت نتوانسته تعریف درستی از روند جریان سرمایه در کشور اریه دهد. در نتیجه به جای اینکه پولها به سمت درست هدایت شود و کمک به سرمایه گذاری را در جهت هدایت به ساختن واحدهای ساختمانی در مکان‌های لازم کند و حتی آنها را بیمه هم بکند که ضریب ضرر و زیان به حداقل برسد، می‌بینید که همین سازندگان خودشان هم مهندس وهم تکنسین وهم کارگر ساختمانی هستند.

از طرف دیگر وابستگی جواب صنعت را نمی‌دهد، صنعت یک چیز دیگر است، در ایجاد اشتغال، خیلی

درخواست را باید بگیریم تورم زدایی کنیم و جواب آن ضرب در احتمال یافتن شغل می‌شود، احتمال یافتن شغل برای کارگر، بسیار ورزیده ساختمانی که می‌تواند در ارتفاع بالای ساختمان ۲۵ طبقه مجتمع‌ها جوش کاری ویا پیچ و مهره ببندد، آن هم در شرایطی که ایمنی کافی برای این کارگران وجود ندارد، ۲۵۰ تا ۳۶۰ هزار تومان دستمزدش است، پرداختی کارگر ساده ۰ تقریباً بین ۱۸۰-۳۶۰ تومان که تا یک دوم کارگر ماهر در بعضی مواقع تقلیل پیدا می‌کند. بقیه را می‌بینید که کنار خیابان دراز به دراز نشستند که این کارگران در اثر فقر و بدبختی و بی‌پناهی نمی‌توانند حتی کتاب بخوانند، نمی‌توانند بروند قهوه خانه بنشینند نه اتحادیه‌ای و جای مناسبی دارند. خیلی خوب پس این دستمزد اگر هم بالا رفته اولاً از پس تورم بر نیامده در ثانی ما داریم در سطح کلان صحبت می‌کنیم و موج بیکاری را فرستادیم اون پشت. بسیار خوب حال حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد به معنای واقعی که من حساب کردم خانه‌های تهرانی خالی مانده اند



شماره ۵۴  
تیر ماه ۱۳۸۸



دکتر فریبرز  
ریس دانا:

## مشکل اصلی از سیاست گذاری هاست



۱۵

شماره ۵۴  
تیر ماه ۱۳۸۸

را در طول تاریخ، اینها شکست، استیصال، بدبختی و نکبت که نبودند، بلکه اینها حاصل سالیان سال تلاش و مبارزه و فکر و دلسوزی و توسعه است وقتی اینها از جامعه گرفته می شود و هیچی هم جایگزین آن ندارند در واقع جامعه را به قهقرا می برند.

آیا شما به نبود جایگزین معتقدید؟

تشکل های کارگری به معنای واقعی باید شکل می گرفت و حق اعتصاب داشتند، چرا که یکی از ابزار مطالباتی در همه دنیا این چنین حقوقی است، تا تشکل های کارگری بتوانند به شکل کاملا واقعی از حق چانه زنی، حق قراردادهای دسته جمعی استفاده کنند.

دهها ضرورت دیگر وجود دارد تا این سه جانبه گرایی با مفهوم درست کار کند، بنابراین به نظر من بهترین

نظام قیمت گذاری

، بهترین نظام بازار

رقابتی در قالب ریخت

و پاش و ولننگاری

نیست، بهترین

نظام تعیین کردن

دستمزدها و قیمت

ها) در چارچوب فعلی

نه در چارچوب ایده

آل آن، به نظر من

نظام گفت و گویی

است، یعنی باید شما

طرف گفت و گو را مثل فروشندگان مواد اولیه مثل

واردکنندگان مثل اتحادیه های کارگری قانع بکنیم

که چرا این طور این قیمت گذاری صورت می گیرد،

مدتها می گفتند قانون کار در آنجایی که کارفرما می

تواند کارگر را اخراج کند نقطه ضعف قانون کار است.

بله در چارچوب اقتصادی فعلی و بعضی جاها این طور

عمل کردند ولی از بعضی جهات یادمان بماند که این

نوع قوانین از فروپاشی خانواده و زندگی کارگران جلو

گیری می کند، دست کم آن کسی که سرکار بود

نابود نمی شد، تعداد کتابهای زیادی وجود دارد که این

روش را برای اقتصاد ترجیح داده اند، علتی که ژاپن

سرمایه گذاری هایش را در اوج بحران حفظ کرد این

بود که فکر می کرد نمی تواند کارگش را اخراج کند

چون قرارداد مادام العمر دارد بنابراین باید سرمایه

گذاری اش را اصلاح کند باید از کارگران کار بخواهد و

راندمان کار را بالا آوردند.

خوب تعریف می شود، ولی این عوامل فشار می آورد روی دستمزد و ما از میان این عوامل میایم پرژکتور را می تابانیم روی صورت یک سرمایه گذار، همان طوری که فلان دستگاه می آید پرژکتور را می تاباند روی آدمی که پولدار شده، (یک نفر پولدار شده بود می گفت وقتی بردنم، خیلی طول کشید تا به آن کسی که از من سوال می کرد پاسخ دهم که چه طوری پولداری شدم، بهش گفتم اینهاش این رو ببین این بد هکاری هایم است، خیالت راحت شد حالا هر کاری می خواهی بکن ولی جایی نگویی که من ورشکست شدم).

از نگاه کارفرما، کارفرما حق دارد موضوع خودش را به وجدان عام اجتماعی تبدیل کند در حالی که اون نباید وجدان اجتماعی شود. او وجدان حوزه قلمرو خودش به حساب می آید، اعتقاد دارد که من بخش

خصوصی ام، تولید

می کنم، به فرض

۵۰ خودکار تولید

می کنم این ۲۰

تا هزینه است، ۲۰

تا خودکار سودو

۱۰ تای دیگر هم

پیش کش کارگر

، در این کشور

کارفرما از کارگر

لطمه نمی خورد.

در اصل کارگر

اتحادیه ای مستقل

ندارد که حقی را طلب کند.

اگر تشکلی داشت که نمی گذاشت این سقوط دستمزد انجام شود، بنا بر این از سیاست های غلطی لطمه می خورد که در واقع مبتنی بر سوء استفاده، تقلب، رانت خواری و سوء تدبیر است که هم دامن کارگر را می گیرد و هم تولید را از به روز سیاه نشانده است.

مشکل اصلی از خودشان است، چه بسا از سیاست گذاری هاست چه بسا از سرمایه گذاری ها و سرمایه دارهای درشت مقیاس است که دور و وری های خودشان پرسه می زنند، عرض من این است که تمام عوامل برای سقوط دستمزدهای واقعی در سطح کلان وجود دارد و اما همه عوامل هم در خدمت رشد و سود تولید صنعتی نیست.

ببینید دستاوردهای کارگری، و دستاوردهای مردمی

